بررسی غایت خلقت

اكنون غایت خلقت را نسبت به خالق و مخلوق بررسی می كنیم :

۱.غایت خلقت نسبت به خالق

توجه به نفی تشبیه

هرگاه نظر به غایت خلقت نسبت به **خالق** باشد در ابتدا لازم است ملاحظ یكی از محكمات معارف بشود كه نفی تشبیه در نحو تحقّق لمّ غائی در واجب و ممكن است كه در خالق به نحو تصوّر و در نظر گرفتن هدف و سپس انجام كار نیست ،

اتحاد لمّ غائی با لمّ فاعلی در واجب الوجود

و بعد از این مرحله، سراغ آنچه معروف است میرویم كه در واجب الوجود، لمّ غائی با لمّ فاعلی متّحد است.

گاهی در توضیح آن گفته می شود كه مثلاً اگر سؤال شود كه چرا خداوند متعال خلق را آفرید؟ جواب داده میشود برای افاض رحمت و خیر و جود بر بندگان ، و اگر سؤال شود كه چرا این افاضه و جود را انجام داد؟ گفته میشود كه چون خداست و متّصف به صفات كمالیه كه از آنها جواد بودن است.

لكن ظاهر این است كه جواب از چرای دوّم، لمّ عقلی است و از لمّ غائی بحث خارج شده است.

و میتواند مراد از اتّحاد لمّ غائی و فاعلی این باشد كه هر گاه فاعل به وسیل فعل خود تحصیل كمال برای خود میكند ممكن نیست كه این كمال، عین ذات فاعل باشد بلكه خارج از ذات است كه فاعل از طریق انجام آن فعل به آن متلبّس میشود ولی در فاعلی كه كمال مطلق است و به تعبیری هم هر كمال را بالفعل دارد اساساً فرض غایتی خارج از ذات معنی نخواهد داشت و بجای اینكه تحصیل كمال ِغیر حاصل باشد ظهور كمال ِحاصل است كه در نقل، از آن تعبیر به "كنزا مخفیاً[1]" الخبر (بحار ج87 السلامیه ص344و199) شده است، و چون اصل ایجاد، نسبت به فاعل واجب الوجود (نه مراتب موجودات) ورا ء زمان و مكان است پس بحث از قبل از خلقت و بعد از خلقت در اینجا نمیتواند به معنای قبل و بعد زمانی باشد كه لازم آن تغیر است، عمران صابی از امام ابو الحسن الرّضا علیه السّلام سؤال كرد:

> **"أل تخبرنی عن الخالق اذا كان واحداً ال شیئ غیره و ال شیئ معه أ لیس قد تغیر بخلقه الخلق؟ قال له الرّضا علیه السّلام : (قدیمٌ در عیون) لم یتغیر عزّ و جلّ بخلق الخلق و لكنّ الخلق یتغیر بتغییره" الحدیث (بحار ج۱۰ ص۳۱۲)**

و اشار به آن در حدیثی از امام ابو الحسن الاوّل علیه السلام است که

> **"إنّ الله تبارك و تعالی كان لم یزل بلا زمان و ال مكان و هو الآن كما كان" الحدیث (بحار ج۳ ص۳۲۷)**

۲.غایت خلقت نسبت به مخلوق

وامّا بحث غایت خلقت نسبت به **مخلوق** پس مشتمل بر فوائد جمّه و لطائف كثیره است وبطور واضح نسبت به جن و انس در آیه شریفه (ذاریات 56) با وصف انحصار (نفی و الاّ) غایه مخلوق (كه لیعبدون فرمود، نه: لأن أعبد ، مثلاً) عبادت معرفی شده است و حصر اضافی نسبت به "ما أرید منهم من رزق" نافی مطلق ـحصر حقیقی درمراتب عالی معنای آیه شریفه نیست.

معانی عبادت

عبادت **گاهی** به معنای مصدری است كه بندگی كردن است ودر رفتار متجلّی می شود ودر این حال از عنوانین وصفیه ثانویه كه تعین ماهوی خاص ندارند میباشد وتاب این را آنچه در حدیث آمده دارد:

> **"لیست العباده كثره الصیام والصلوه انّما العباده كثره تفكر فی امر الله" (بحار۷۸اسلامیه ص ۳۷۳)**

و گاهی به معنای اسمی است كه عبودیت و حال بندگی وعدم اظهار أنانیت میباشد از باب "طریق معبّدٌ ای مذلّلٌ و ممهّدٌ یعنی جاده صاف وهموار[2]"، و در این حال میتواند از غایات طولیه برای معنای اوّل باشد، وتوضیح آن در حدیث عنوان بصری كه از حضرت امام صادق علیه السلام سؤال كرد "**ای ابا عبدالله ما حقیقه العبودیه**[3]" (بحار 1 ص225) آمده است.

تحلیل آیه «ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون»

بنابراین می توانیم مراتبی در معنای آیه مبارکه در نظر بگیریم که با سائر آیات و روایات قابل جمع باشد:

۱- ات امری نباشد طاعت وعبادتی معنا ندارد و لذا روایت درتفسیر همین آیه فرمود "**خلقهم لیأمرهم بالعبادة**[4]" (بحار5 ص314باب علة خلق العباد)

۲- این عبادت، جبری نباشد بلکه از روی اختیار وانتخاب خود بنده باشد "لیعبدون" که اشاره به آن شده: "**ولا یزالون مختلفین الّا من رحم ربك و لذلك خلقهم**"(هود 119) که خلق برای رحمت خاصهای که از طریق اختیار با زمینه اختلاف و نیز وجود آن حاصل شود می‌باشد.

۳- عبادت کردن برای معرفت است که "**اتّقواالله ویعلّمكم الله**"(بقره 282) و"**من عمل بما یعلم علّمه الله مالم یعلم**"(بحار 78 السالمیه ص189).

۴- معرفت برای عبادت ِبالاتر است که "**ما خلق الله العباد الا لیعرفوه فاذا عرفوه عبدوه**" (بحارالانوار ج5 ص312) که شاید اشاره به آن در «نون و کسره اشاره کنندە به یاء متکلم» در "لیعبدون" باشد یعنی دیگر عبادت عبدی ای تجارّ نباشد بلکه عبادت أحرار یعنی "**بل وجدتك اهلاً للعبادة فعبدتك**[5]" باشد.

۵- لازمه اینگونه عبادت، حصول مقاماتی است که با اینکه برای ما بیان کردهاند، تصوّر مفهومی آنها برای امثال راقم سخت است که تحقق حقیقت عبودیت و همانگی سراسر ذرّات وجود عبد با نظام احسن عالَم که "**العبودیة جوهرة کنهها الربوبیة**[6]" و سپس تعلیم اسماء و خلافت الهیه و انکشاف جمیع حقایق است که شاید "**أ لم أقل لکم**[7]" اشارهای به همان کلام الهی باشد: "**انّی اعلم ما لا تعلمون**[8]" تا جواب حلّی باشد نه آنکه به ظاهر ردعی مینمایید.

واینها هر چند هدف نوع است امّا از آنجا که قوام آن به این است که از روی اختیار و انتخاب تحصیل شود تحقق آن فی الجمله کافی در حکمت خلقت است، کما اینکه در برخی آیات شریفهی هدف از خلقت عالم به سوی خلقت انسان اشاره رفته است:

> **ان فی خلق السماوات و الارض و اختلاف اللّیل و النّهار لآیات لاولی الالباب الذین یذکرون الله قیاماً و قعوداً و علی جنوبهم و یتفکرون فی خلق السّماوات و الارض ربّنا ما خلقت هذا باطلا سبحانك فقنا عذاب النّار (آل عمران ۱۹۰-۱۹۱)**

که اشاره لطیفهی فاءِتفریع در "**فقنا**" بر عدم بطلان خلقت سماوات و زمین، شاهد ما است، و ارتباط و ترتّب این اهداف مهم است که شخص آگاه به اینکه نظم عالم، جهت یافته به تکمیل انسان می‌باشد از صغیر و کبیر امور برای ترفیع فرد و مجتمع استفاده می‌کند.

[1] كما قال سبحانه كنت كنزا مخفيا فأحببت أن أعرف فخلقت الخلق لكي أعرف

[2] و العبد: ضد الحر. و أصل العبد من قولهم طريق معبد أي مذلل(جمهرة اللغة ؛ ج1 ؛ ص299)و معنى العبادة في اللغة: الطاعة مع الخضوع. و يقال طريق معبد إذا كان مذللا بكثرة الوطء، و بعير معبد إذا كان مطليا بالقطران(تهذيب اللغة ؛ ج2 ؛ ص138)و يقال: طريق معبد، أي: مذلل بالوطء(مفردات ألفاظ القرآن ؛ ص543)و معنى العبادة في اللغة الطاعة مع الخضوع، و منه طريق معبد إذا كان مذللا بكثرة الوطء (لسان العرب ؛ ج3 ؛ ص273)

[3] قلت اي أبا عبد الله ما حقيقة العبودية قال ثلاثة أشياء أن لا يرى العبد لنفسه فيما خوله الله مما لا يكون لهم ملك يرون المال مال الله يضعونه حيث أمرهم الله به و لا يدبر العبد لنفسه تدبيرا و جملة اشتغاله فيما أمره تعالى به و نهاه عنه فإذا لم ير العبد لنفسه فيما خوله الله تعالى ملكا هان عليه الإنفاق فيما أمره الله تعالى أن ينفق فيه و إذا اشتغل العبد بما أمره الله به فوض العبد تدبير نفسه على مدبره هان عليه مصائب الدنيا و إذا فوض العبد بهذه الثلاثة نعت و نهاه لا يتفرغ منهما إلى المراء و المباهاة مع الناس فإذا أكرم الله العبد بهذه الثلاثة هان عليه الدنيا و إبليس و الخلق و لا يطلب الدنيا تكاثرا و تفاخرا و لا يطلب ما عند الناس عزا و علوا في الأرض و لا فسادا و العاقبة للمتقين(بحار الأنوار (ط - بيروت) ؛ ج1 ؛ ص225-226)

[4] عن أبي بصير قال: سألت أبا عبد الله ع عن قول الله عز و جل و ما خلقت الجن و الإنس إلا ليعبدون قال خلقهم ليأمرهم بالعبادة قال و سألته عن قول الله عز و جل و لا يزالون مختلفين إلا من رحم ربك و لذلك خلقهم قال خلقهم ليفعلوا ما يستوجبون به رحمته فيرحمهم.(علل الشرائع ؛ ج1 ؛ ص13)

[5] بحار الأنوار(ط – بيروت) ج۴۱،ص۱۴

[6] مصباح الشريعة / ترجمه مصطفوی، متن، ص: 453

[7] و علم آدم الأسماء كلها ثم عرضهم على الملائكة فقال أنبئوني بأسماء هؤلاء إن كنتم صادقين قالوا سبحانك لا علم لنا إلا ما علمتنا إنك أنت العليم الحكيم قال يا آدم أنبئهم بأسمائهم فلما أنبأهم بأسمائهم قال ألم أقل لكم إني أعلم غيب السماوات و الأرض و أعلم ما تبدون و ما كنتم تكتمون(سوره بقره،آیه ۳۱-۳۳)

[8] و إذ قال ربك للملائكة إني جاعل في الأرض خليفة قالوا أ تجعل فيها من يفسد فيها و يسفك الدماء و نحن نسبح بحمدك و نقدس لك قال إني أعلم ما لا تعلمون(سوره بقره،آیه ۳۰)

بازبینی #1
ایجاد شده در 28 اوت 2025 11:37:24 توسط ... .
به روزرسانی شده در 28 اوت 2025 11:45:13 توسط ... .